



## درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: استعمال

موضوع جزئی: مطلب دوم: حقیقت مجاز

سال: پنجم

تاریخ: ۶ مهر ۱۳۹۲

مصادف با: ۲۲ ذی القعدة ۱۴۳۴

جلسه: ۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

عرض کردیم در بحث استعمال، ما در چند مقام باید بحث کنیم و چند مطلب را باید مورد رسیدگی قرار دهیم. مطلب اول حقیقت استعمال بویژه استعمال اللفظ فی المعنی بود، بعد از توضیح این مطلب درباره اقسام استعمال اللفظ فی المعنی باید بحث کنیم. گفته‌اند استعمال اللفظ فی المعنی بر دو قسم حقیقی و مجازی است. استعمال حقیقی (طبق نظر مشهور) عبارت است از: استعمال اللفظ فی ما وُضع له و استعمال مجازی عبارت است از: استعمال اللفظ فی غیر ما وُضع له بعلاقة معتبرة مع القرینة یا به تعبیر مرحوم آخوند عبارت است از: استعمال اللفظ فی ما یناسب ما وُضع له؛ استعمال لفظ در آنچه که مناسب با معنای موضوع له است. استعمال حقیقی نیازی به بحث ندارد چون اختلافی در آن نیست، بالاخره اگر لفظی را که واضع برای معنی وضع کرده حقیقتاً در خود همان معنی استعمال شود این استعمال حقیقی خواهد بود اما عمده نزاع و اختلاف درباره استعمال مجازی است و اینکه اساساً مجاز چیست لذا عنوان این بحث را بعضی، چیز دیگری قرار داده‌اند مثلاً عنوان این بحث را «وضع المجازات» گذاشته‌اند که وضع مجازات چگونه است یا عنوان بحث را «فی حقیقة المجاز» گذاشته‌اند. اینکه بحث پیرامون مجاز است که مجاز چیست و استعمال مجازی چیست و چه اختلافی در این باره وجود دارد. اما ما طبق ترتیبی که برای بحث قرار دادیم این بحث را تحت عنوان کلی استعمال قرار دادیم و گفتیم استعمال دو قسم است؛ استعمال حقیقی و استعمال مجازی. استعمال حقیقی بحثی ندارد و همه نگاه ما معطوف به قسم دوم؛ یعنی استعمال مجازی است.

### حقیقت مجاز:

درباره استعمال مجازی و اینکه مجاز چیست اختلاف نظر است. این بحث ممکن است فی نفسه اینجا بحث مهمی نباشد اما به خاطر اینکه به بعضی از مبانی در این باب اشاره می‌شود و آثاری دارد به نظر می‌رسد باید به آن پرداخته شود. به طور کلی در باب مجاز سه قول وجود دارد: نظر مشهور؛ مشهور قائل‌اند استعمال مجازی عبارت است از: استعمال اللفظ فی غیر ما وُضع له بعلاقة معتبرة مع القرینة.<sup>۱</sup> در مقابل مشهور سکاکی یک نظری درباره مجاز دارد و قول سوم در این مسئله نظریه شیخ محمد رضا اصفهانی معروف به مسجدشاهی است. پس یک اختلافی درباره مجاز و استعمال مجازی وجود دارد که اصلاً مجاز چیست؟ تا کنون آنچه در ذهن ما بوده نظر مشهور بود که مجاز عبارت است از اینکه انسان لفظ را در غیر

۱. مفتاح العلوم، ص ۱۵۶؛ مطول، ص ۳۵۳؛ قوانین الاصول، ج ۱، ص ۱۳؛ الفصول الغرویه، ص ۱۴.

موضوع‌له استعمال کند به خاطر علاقه و مناسبتی که بین معنای ما وضع له و معنای غیر ما وضع له وجود دارد؛ مثلاً لفظ «اسد» را که برای حیوان مفترس وضع شده در رجل شجاع استعمال کند که این استعمال، استعمال مجازی است. اما به غیر از نظر مشهور دو نظر دیگر هم اینجا وجود دارد که ما باید به تبیین آنها پردازیم.

### مصحح استعمال مجازی:

غیر از اختلافی که بین مشهور و غیر مشهور وجود دارد یک اختلافی هم بین خود مشهور است یعنی بین خود کسانی که قائل‌اند استعمال مجازی عبارت است از: استعمال اللفظ فی غیر ما وضع له اختلاف وجود دارد که مجوز استعمال لفظ در غیر ما وضع له چیست و به چه دلیل ما می‌توانیم لفظی را در غیر موضوع‌له استعمال کنیم؟ آیا استعمال مجازی بی قاعده است و هر لفظی را در هر معنای غیر موضوع‌له می‌توان استعمال کرد و این نحوه استعمال هیچ ضابطه و قاعده‌ای ندارد یا اگر ضابطه‌ای دارد آن ضابطه چیست؟ جمعی قائل‌اند این استعمال ناشی از وضع است و گروهی دیگر معتقدند این استعمال تابع ذوق و طبع سلیم است. ما هنوز وارد بحث از اختلاف مشهور با دیگران نشده‌ایم و آن اختلاف را بعداً بررسی می‌کنیم، ابتدائاً این اختلافی که بین خود مشهور وجود دارد و در کلام مرحوم آخوند بیان شده را مورد رسیدگی قرار می‌دهیم که آیا استعمال لفظ در غیر ما وضع له ناشی از وضع است یا تابع ذوق و طبع سلیم است. ما نخست این دو را توضیح می‌دهیم تا مشخص شود نزاع در چیست، اینکه استعمال مجازی بالوضع است یعنی چه؟ و اینکه بالطبع است یعنی چه؟ سپس نظر مرحوم آخوند و دلیل ایشان را ذکر و مورد بررسی قرار خواهیم داد.

منظور از اینکه گفته می‌شود استعمال لفظ فی غیر ما وضع له بالوضع است این است که وقتی واضع لفظ را برای معنی وضع کرده همان موقع این لفظ را وضع کرده برای هر معنایی که به نوعی با معنای موضوع‌له مناسبت داشته باشد، اینکه ما پای وضع را به دایره استعمال مجازی بکشیم یک احتمالش این است که بگوییم واضع در هنگام وضع گویا دو تا وضع داشته، یک بار لفظ را برای معنای حقیقی وضع کرده و بار دوم لفظ را برای معنای مشابه یا مسبب یا علاقه‌مند به معنای موضوع‌له وضع کرده است، این احتمال خود دو وجه دارد. احتمال دیگر این است که گفته شود واضع در هنگام وضع لفظ برای معنی اذن و اجازه داده که این لفظ در غیر موضوع‌له با رعایت مناسبت‌ها و علایقی ذکر شود. پس مجموعاً سه احتمال در کار است:

**احتمال اول:** خود واضع در هنگام وضع لفظ برای معنی وضع دیگری هم داشته باشد یعنی وضع شخصی داشته باشد و آن هم وضع همین لفظ برای معنای مشابه و علاقه‌مند به این معنی است؛ مثلاً یک بار لفظ «اسد» را برای حیوان مفترس وضع کرده و همان موقع این لفظ را به وضع دوم برای رجل شجاع وضع کرده که یک علاقه‌ای بین آن و حیوان مفترس وجود دارد.

**احتمال دوم:** وضع واضع نوعی باشد نه شخصی، یعنی واضع بعد از اینکه کار وضع را تمام کرد و همه الفاظ را برای معنای آنها وضع کرد بگوید من یک وضع نوعی دارم که به طور کلی الفاظ را می‌توان در معنای غیر موضوع‌له آنها که علاقه‌ای با معنای موضوع‌له دارند استعمال کرد.

**احتمال سوم:** استعمال مجازی مستند به وضع باشد نه به این معنی که وضع مستقلی داشته باشد بلکه منظور این است که این استعمال به إذن و ترخیص واضح باشد.

پس در اینکه استعمال مجازی مستند به وضع باشد دو احتمال وجود دارد:

یا این استعمال به وضع واضح صورت گیرد که خود این دو احتمال دارد:

الف) استعمال مجازی به وضع شخصی است.

ب) استعمال مجازی به وضع نوعی است.

منظور از اینکه استعمال مجازی مستند به وضع باشد این است که به إذن و ترخیص واضح باشد نه اینکه خودش یک وضع مستقل داشته باشد.

### **اقوال:**

#### **قول اول:**

یک طرف اختلاف و نزاع بین مشهور این است که مصحح استعمال مجازی، وضع است که گفتیم در این قول دو احتمال است: یکی اینکه به وضع واضح صورت گیرد که خودش دو احتمال دارد: یکی اینکه به وضع شخصی باشد و دیگری اینکه به وضع نوعی باشد. دوم اینکه به ترخیص واضح باشد، یعنی واضح اجازه دهد آن الفاظ در غیر ما وضع له در چارچوب یکی از آن علاقات بیست و پنج گانه‌ای که در باب معانی و بیان ذکر شده استعمال شود.

#### **قول دوم:**

اینکه مصحح استعمال مجازی طبع و ذوق سلیم است و واضح نقشی ندارد و او فقط لفظ را برای معنی وضع کرده و این عرف است که بر اساس ذوق سلیم خودش بعضی از الفاظ را در غیر معنای موضوعه استعمال می‌کند، یعنی این که مثلاً لفظ «اسد» در رجل شجاع استعمال می‌شود ربطی به واضح ندارد، کار واضح فقط وضع لفظ بوده نه بیشتر اما ذوق و طبع سلیم عرف می‌بیند جنبه برجسته «اسد» شجاعتش است لذا این لفظ را در رجل شجاع هم استعمال می‌کند. عرف هیچ وقت مثلاً «اسد» را در مورد شخصی که دهانش بدبو است استعمال کند با اینکه دهان «اسد» هم بدبو است لذا هیچ کس به انسانی که دهان او بدبو است نمی‌گوید: «اسد»؛ چون ذوق و طبع سلیم نمی‌پسندد که لفظ «اسد» در مورد انسانی که دهان او بدبو است بکار رود هرچند بین اسد و انسانی که دهان او بدبو است مشابهت هم وجود دارد اما ذوق سلیم هر مشابهتی را نمی‌پسندد بلکه مشابهت در شجاعت را می‌پسندد، همچنین اگر لفظی که برای سبب وضع شده در مسبب استعمال شود، این استعمال مجازی ربطی به واضح ندارد بلکه تابع ذوق سلیم است.

پس به طور کلی در نزاع اول که آیا استعمال مجازی مستند به وضع است یا به طبع و ذوق سلیم؟ معلوم شد منظور از اینکه مصحح استعمال مجازی وضع یا طبع و ذوق سلیم است چیست. در این نزاع عده‌ای قائل‌اند استعمال مجازی تابع وضع و عده‌ای دیگر قائل‌اند تابع طبع و ذوق سلیم است.

### کلام محقق خراسانی:

مرحوم آخوند از کسانی است که قائل است به اینکه مصحح استعمال مجازی، ذوق و طبع سلیم است و ربطی به واضع ندارد.

ایشان در استدلال بر این مدعا می‌گوید: «بشهادة الوجدان بحسن الاستعمال فيه»؛ وجدان شهادت می‌دهد بر اینکه چنین استعمالی حسن است. ایشان می‌فرماید: اینکه ما می‌گوییم استعمال لفظ در غیر معنای موضوعه (استعمال مجازی) صحیح است منظور از صحت استعمال، حسن استعمال است و وجدان گواهی می‌دهد بر اینکه استعمال یک لفظ در غیر معنای موضوعه حسن است، حال اگر ما صحت استعمال را به معنای حسن استعمال دانستیم معنایش این است که هر جا از دید عرف این استعمال حسن داشته باشد، این استعمال، استعمال مجازی و صحیحی خواهد بود ولی اگر استعمال، حسن نداشته باشد و مستهجن باشد، این استعمال صحیح نخواهد بود لذا کاری به منع و ترخیص واضع ندارد، یعنی اگر در جایی استعمال از دید عرف، حسن باشد ولو واضع هم آن را منع کند و اجازه ندهد، این گونه استعمال مجازی صحیح خواهد بود یا اگر در جایی استعمال از دید عرف مستهجن باشد هر چند واضع آن را اجازه داده باشد، چنین استعمالی صحیح نخواهد بود. پس صرف حسن استعمال ولو واضع آن را منع کرده باشد دلیل بر این است که صحت استعمال مجازی متوقف بر وضع واضع نیست.

لذا اساس دلیل مرحوم آخوند بر اینکه استعمال مجازی تابع ذوق سلیم است نه تابع وضع این است که می‌گوید این یک امر وجدانی است و ما به وجدان می‌فهمیم که صحت استعمال به معنای حسن استعمال است و هر جا که عرف استعمال را حسن دانست ولو واضع آن استعمال را منع کند، آن استعمال صحیح خواهد بود و هر جا عرف این استعمال را مستهجن و قبیح بداند ولو واضع آن استعمال را اجازه دهد، صحیح نخواهد بود، پس منظور از صحت استعمال، حسن استعمال است و حسن استعمال هم به دست عرف و ذوق سلیم است نه واضع.

### بررسی کلام محقق خراسانی:

ما اصل ادعای ایشان را قبول داریم که مصحح استعمال مجازی، طبع و ذوق سلیم است اما با دلیلی که ایشان ارائه کرده موافق نیستیم. ما ابتدا دلیل ایشان را رد می‌کنیم، سپس دلیل قول اول را هم که قائل بودند مصحح استعمال مجازی، واضع است، رد می‌کنیم و مؤیدی هم ذکر می‌کنیم که مصحح استعمال مجازی، طبع و ذوق سلیم است نه وضع. البته این بحث بنا بر این است که نظر مشهور را در باب مجاز بپذیریم.

اشکال کلام مرحوم آخوند این است که ایشان صحت استعمال را به حسن استعمال تفسیر کرده و گفته صحت استعمال هیچ معنایی جز حسن استعمال ندارد و این درست نیست؛ چون اگر منظور از صحت استعمال صحت مطلق استعمال باشد، یعنی کاری نداشته باشیم به اینکه استعمال، حقیقی است یا مجازی و بگوییم صحت استعمال به معنای حسن استعمال است اعم از آن که استعمال، مجازی باشد یا حقیقی، در این صورت در مورد استعمال حقیقی هم باید گفت صحت استعمال به معنای

حُسن استعمال است و حُسن استعمال هم تابع ذوق و طبع سلیم است لذا صحت استعمال حقیقی هم تابع وضع نیست بلکه تابع ذوق سلیم است در حالی که این درست نیست و صحت استعمال حقیقی مستند به وضع است نه ذوق سلیم. پس اشکال ما به مرحوم آخوند این است که اگر منظور از اینکه صحت استعمال را به معنای حسن استعمال می‌دانید مطلق استعمال باشد در مورد استعمال حقیقی هم باید بگویید تابع وضع نیست بلکه تابع ذوق و طبع سلیم است و تشخیص حُسن و قبح استعمال به عهده عرف است و واضع کاره‌ای نیست در حالی که این سخن درست نیست چون مصحح استعمال حقیقی وضع واضع است.

اگر هم منظور از صحت استعمال، صحت استعمال مجازی باشد یعنی می‌خواهید بگویید صحت استعمال مجازی به معنای حُسن استعمال است و بخواهید این مطلب را که حُسن استعمال تابع ذوق سلیم است فقط در استعمال مجازی بگویید مشکلتش این است که هیچ ملازمه‌ای بین این دو وجود ندارد یعنی این گونه نیست که هر استعمال مجازی صحیحی، حُسن باشد بلکه چه بسا یک استعمال غلط از نظر عرف حُسن داشته باشد یا یک استعمال صحیحی از نظر عرف، قبح داشته باشد، پس ملازمه‌ای بین صحت استعمال مجازی و حُسن استعمال نیست که شما می‌گویید: «لا معنی لصحته الا حُسنه» لذا در نزاع و اختلافی که بین خود مشهور است که استعمال مجازی تابع ذوق سلیم است یا مستند به وضع، مرحوم آخوند فرمود استعمال مجازی تابع ذوق سلیم است و ربطی به وضع ندارد، ایشان دلیلی بر این مدعا اقامه کرد که ما دلیل ایشان را قبول نکردیم اما رد دلیل ایشان به معنای رد ادعای ایشان نیست.

**بحث جلسه آینده:** حال باید ببینیم چرا مصحح استعمال مجازی، طبع سلیم است و چرا سخن قائلین به اینکه این استعمال، مستند به وضع است باطل است؟ که انشاء الله در جلسه آینده به آن اشاره خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»